



# امکان سنجی اجرای طرح ادغام و تجمیع روستاهای مرزی با تأکید بر سطح توسعه ظرفیتی روستاییان (مطالعه موردی: بخش خاوومیرآباد، شهرستان مریوان)

فرزاد ویسی<sup>\*</sup>، سید هادی طیب نیا<sup>\*\*</sup>، سوران منوچهری<sup>\*\*</sup>

تاریخ دریافت مقاله:

1395/05/26

تاریخ پذیرش مقاله:

1396/02/25

چکیده

نظام توزیع جمعیت کشور و استقرار نامناسب روستاهای پراکنده موجب بروز مشکلاتی در زمینه دسترسی و خدمات‌رسانی به این روستاها گردیده و سطح پایینی از کیفیت زندگی را برای این روستاها در پی داشته است لذا تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های به‌گزینی که در حقیقت ابزاری نظری و عملی جهت مداخله در چنین فضاهاست روستایی هستند، ضروری است. در این بین با توجه به حساسیت‌های این طرح‌ها در نواحی روستایی و تعیین‌کننده بودن ظرفیت‌های جامعه در به‌ثمر رسیدن طرح‌های توسعه محلی، نیاز است که با دیدی جامع، بررسی ظرفیت‌های جامعه روستایی به‌عنوان بخشی از مطالعات امکان‌سنجی که به شناخت وضع موجود، جهت تدوین برنامه‌های کاربردی منجر می‌گردد، انجام شود. در این راستا پژوهش کاربردی حاضر که با دیدی جامع و روشی توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، به تبیین نقش توسعه ظرفیتی روستاهای کوچک و متفرق مرزی بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان پرداخته است که ضرورت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، سیاست ادغام و تجمیع را به‌عنوان یکی از گزینه‌های ساماندهی وضع موجود مطرح می‌سازد تا رهیافت این امکان‌سنجی، پیشنهاد به اجرا، عدم اجرا و یا ارائه راهکارهای جایگزین باشد. گردآوری اطلاعات از طریق دو روش کتابخانه‌ای در بخش نظری و پیمایشی مبتنی بر توزیع پرسشنامه در میان روستاییان، مصاحبه با مردم محلی و بازدید میدانی در بخش عملی بوده است. جامعه آماری پژوهش نیز مشتمل بر 6 روستای مرزی زیر 100 نفر جمعیت بخش می‌باشد که ابتدا با بهره‌گیری از نمونه‌گیری کوکران، تعداد جامعه نمونه مشخص و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری منطبق، پرسشنامه‌ها به‌صورت تصادفی ساده در میان 115 نفر از روستاییان توزیع گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از آمار استنباطی (t تک نمونه‌ای، رتبه‌ای فریدمن، تحلیل مسیر، همبستگی اسپیرمن، همگونی کای دو پیرسون مبتنی بر جدول توافقی و تحلیل واریانس یکطرفه) نشان‌دهنده نامناسب بودن سطح توسعه ظرفیتی روستاییان به‌ویژه در ابعاد اقتصادی و نهادی، جهت ادغام و تجمیع است. همچنین یافته‌های پژوهش، نشان از ارتباط معنادار و منفی میزان جمعیت با سطح توسعه ظرفیتی روستاییان و ارتباط مثبت سطح توسعه ظرفیتی با تمایل روستاییان به اجرای طرح ادغام و تجمیع دارد.

**کلمات کلیدی:** ادغام و تجمیع، توسعه ظرفیتی، بخش خاوومیرآباد.

\* هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

\*\* استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

\*\*\* کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، آموزش و پرورش استان کردستان، سنندج، ایران. manoochehrisoran@yahoo.com

## مقدمه

در برنامه‌ریزی بازسازی، به‌گزینی و اصلاح الگوی استقرار سکونتگاه‌های روستایی به‌طور معمول، چهار سیاست درجاسازی، تجمیع (ادغام)، توسعه پیوسته (جابه‌جایی بخشی از سکونتگاه) و توسعه منفصل (جابه‌جایی کل سکونتگاه) از سوی دست‌اندرکاران مورد ملاحظه قرار می‌گیرد (گرکانی و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۷).

این سیاست‌ها غالباً به اجتناب از سکونت در مکان پیشین، جستجوی اشتغال جدید و جبران خسارت ناشی از زیان مادی می‌انجامد (پورطاهری و عینالی، ۱۶۰، ۱۳۸۹؛ Agba, 2010, 54) و موجب بهبود سطح معیشت روستاییان می‌گردند (Marife, 2013, 17, Okada, at all, 2014, 21) بخشی از فرایند توسعه روستایی قلمداد گردند (Mander, 2000, 2؛ guoqing, 2009, 1458). اسکان مجدد بر پایه جابه‌جایی و ادغام، در کشورهای اروپایی (هلند، ایرلند، اوکراین و...) که دارای نامساعدت‌های طبیعی هستند و یا در ایالات متحده آمریکا که دارای مهاجرین زیادی است، کاملاً شناخته شده است (noll, 2003, 1) در کشورهای آفریقایی نیز که عموم روستاییان از مشکلات عدیده‌ای چون کمبود زمین و جمعیت، بروز قحطی و جنگ، فقدان خدمات، بیکاری و فقر و تفرق، در مضیقه هستند، سازماندهی دوباره جمعیت در قالب الگوهای تجمیع و جابه‌جایی، راه‌حلی برای رهایی دهقانان روستایی می‌باشد (international food ؛ samgeza, 1986, 35)؛ policy, 2013, 1).

در واقع بسیاری از دولت‌های آفریقایی استقرار مجدد و تجمیع راه، راه حلی برای متناسب نمودن جمعیت و محیط زیست بکار می‌گیرند، محیط زیستی که قادر نیست پاسخگوی جمعیت ساکن آن باشد

(Stellmacher, 2011, 1). در ایران نیز برنامه‌ریزی در راستای اصلاح و مطلوب نمودن الگوی استقرار نواحی روستایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. با نگاهی گذرا به روستاهای کشور در می‌یابیم که جمعیت روستایی، به‌صورت بسیار ناهمگن توزیع شده‌اند و اکثریت روستاها دارای جمعیت اندکی می‌باشند. باید توجه داشت که اکثریت این روستاها حتی از ابتدایی‌ترین خدمات و امکانات هم بی‌بهره‌اند و از زیرساخت‌های اقتصادی مناسبی برخوردار نبوده و اکثراً مهاجر فرست هستند و در عین حال خدمات‌رسانی و ایجاد تأسیسات و زیرساخت‌ها مستلزم صرف هزینه‌های هنگفتی به نسبت جمعیت این روستاها می‌باشد و از طرفی هم نمی‌توان بی‌توجه به سرنوشت ساکنین این روستاها، نظاره‌گر نتایج این امر یعنی فقر، بیکاری، تخلیه روستاها و در نتیجه انحطاط منابع ملی بود، بنابراین با توجه به شرایط خاص در برنامه‌ریزی روستایی کشور که امکانات و تأسیسات عموماً به روستاهایی که دارای آستانه جمعیتی لازم می‌باشند، تعلق می‌گیرد (مزرچی، ۱۳۷۹: ۸) ضروری است که با هدف ایجاد تحول در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اصلاح الگوی استقرار آن‌ها در راستای اصلاح وضع نامطلوب مورد توجه قرار گیرد. از سویی دیگر، طرح‌های اصلاح الگوی استقرار و به‌گزینی نیز در موارد زیادی هم نتوانسته‌اند به اهداف اولیه و اصلی خود جامه عمل بپوشانند و با ضعف‌ها و مشکلات متعددی همراه بوده‌اند (2003 CHIREMBA, 97؛ Okada, at all, 2014, 21, Stellmacher, 2011, 20؛ صیدایی و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۴) و این امر موجب گشته که دیدگاه‌ها و نظریاتی در نفی و تضاد اینگونه سیاست‌ها شکل بگیرند. یکی از دلایل اصلی شکست این گونه سیاست‌ها، عدم در نظرگیری و مشارکت ذینفعان اصلی یعنی مردم محلی و دخالت وسیع و

آمرانه دولت‌ها است. به واقع اجرای طرح‌های استقرار نظام روستایی (ادغام، تجمیع، جابه‌جایی یا درجاسازی) زمانی می‌تواند ضمانت اجرایی پیدا کنند که در وهله اول، همراهی مردم محلی را داشته باشد و با شناخت لازم از توانایی‌ها، ضعف‌ها و دیدگاه مردم محلی، با برنامه‌ریزی صحیح و اصولی منطبق بر واقعیت انجام گیرند (Garakani, 2014, 1393). گرکانی و همکاران، 1393، 23). در واقع با توجه به حساسیت‌های زیاد این دسته طرح‌های توسعه روستایی، پذیرش کورکورانه و یا طرد متعصبانه هر دو خطا است و نیاز است که در ابتدا مطالعات امکان‌سنجی به‌ویژه در ارتباط با ظرفیت‌های جامعه محلی انجام‌گیرد چرا که ظرفیت‌های جامعه نقش غیرقابل انکاری در موفقیت و به ثمر نشستن این چنین طرح و برنامه‌هایی دارد. در تفکرات کنونی، ظرفیت‌های جامعه عاملی در بهبود عملکرد و دستیابی به اهداف تعریف شده است (Milèn, 2001, 1).

ظرفیت‌های جوامع منعکس‌کننده میزان مهارت، دانش و مشارکت افراد بوده و تضمین‌کننده موفقیت اجرای طرح‌ها می‌باشد (UNEP, 2011, 11) به همین دلیل ظرفیت‌سازی به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در انجام برنامه‌های سازمان ملل قرار دارد (UNEP, 2002, 10). سطح مطلوب ظرفیت‌های جامعه موجب توانمند شدن افراد، سازمان‌ها و گروه‌ها در اجرا و انجام برنامه‌ها می‌گردد (CDSF, 2009, 2). بنابراین ظرفیت‌های جوامع، کاتالیزوری است که تسریع‌کننده و تسهیل‌کننده تغییر و تحولات و تحقق اهداف برنامه‌ها می‌باشد (DTIE, 2006, 2). در این راستا محققان در پژوهش حاضر بر آن بوده‌اند که به تبیین نقش توسعه ظرفیتی<sup>1</sup> در پذیرش و اجرای طرح ادغام و تجمیع به‌عنوان گونه‌ای از برنامه‌های اصلاح الگوی استقرار که موفقیت آن‌ها در ارتباط تنگاتنگ با توسعه ظرفیتی

جوامع محلی می‌باشد، بپردازند. منطقه مورد مطالعه 6 روستای مرزی و کم‌جمعیت (زیر 100 نفر) بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان می‌باشد. این روستاها که همزمان به دلیل مرزی بودن، دورافتاده و کم‌جمعیت بودن، در فشار و رنج‌اند و در وضعیت نامطلوبی به لحاظ کیفیت زندگی قرار دارند، همچنان که بسیاری از جمعیت این روستاهای مرزی نیز به شهرها مهاجرت کرده‌اند. در کنار این امر، به دلایل امنیتی و حساسیت حفاظت از مرزها (وجود مراکز بزرگ جمعیتی در مرزها) و از سویی دیگر رونق تجارت مرزی و استفاده از محدوده این دسته از روستاها در ساخت سازه‌های تجاری و توسعه تجارت مرزی، ضرورت‌هایی هستند که جهت تحقق آن‌ها یکی از راه‌حل‌هایی که با توجه به تشابه فرهنگی، اجتماعی، محیطی و نزدیکی فاصله مورد نظر قرار می‌گیرد، تجمیع این روستاها در روستاهای پرجمعیت‌تر بخش و یا ادغام آن‌ها در محلی جدید می‌باشد اما همانطور که عنوان شد با توجه به حساسیت‌های فراوان طرح‌های به‌گزینی و استقرار مجدد روستاها نیاز است که مطالعات اولیه امکان‌سنجی به‌ویژه در زمینه ظرفیت‌های جامعه روستایی به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در ارتباط با نحوه ادغام و تجمیع آن‌ها، صورت گیرد تا رهیافت این امر، دستیابی به شناخت صحیح و منطبق بر واقعیت در راستای اجرا، عدم اجرا و ارائه راهکارهای جایگزین و یا برنامه‌ریزی جهت کاستن از موانع و معضلات اجرای طرح ادغام و تجمیع این روستاهای مرزی باشد و بدین ترتیب پژوهش حاضر نیز به‌عنوان راهنمایی جهت برنامه‌ریزی و اقدام مطلوب مسئولین عمل نماید. در این راستا سؤالاتی به شرح زیر مطرح هستند:

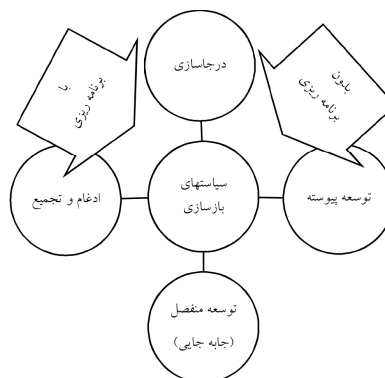
1- آیا سطح توسعه ظرفیتی روستاییان در ارتباط با ادغام و تجمیع در سطح رضایت بخشی است؟

2- کدام یک از ابعاد ظرفیت‌های مردم محلی بیشترین تأثیر را در نحوه ادغام و تجمع روستاها دارد؟  
3- آیا تفاوت معناداری میان روستاهای مورد مطالعه در ارتباط با تمایل به ادغام و تجمع وجود دارد؟ در صورت وجود داشتن آیا این تفاوت با میزان توسعه ظرفیتی و عامل جمعیت قابل تبیین است؟

### مبانی نظری

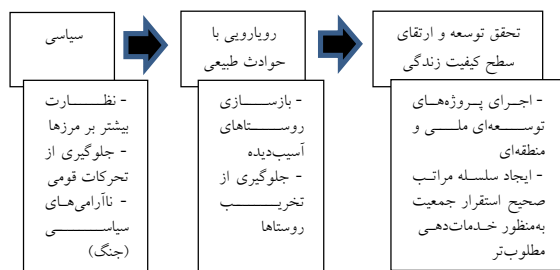
در برنامه‌ریزی روستایی، اصلاح الگوی استقرار و به‌گزینی با هدف نظم و ترتیب دادن به فعالیت‌ها و فضا در ارتباط و تعامل با انسان‌ها انجام می‌گیرد (زکالاب، ۲، ۱۳۸۲). در واقع با پراکنش موزون و متعادل نظام استقرار انسان (جمعیت و جوامع)، فعالیت (اقتصادی و اجتماعی) و محیط، امر توسعه سامان می‌گیرد (رضوانی، 174، 1388).

این استراتژی بر دو محور عمده یعنی بهینه‌کردن مکان‌ها و بهینه‌کردن کارکردها مبتنی است و درصدد ارائه الگوی بهینه‌ای از نظام استقرار فضایی مکان‌ها و کارکردهای متناسب با آن است (ابراهیم‌زاده و شریفی‌کیا، ۱۳۸۲، ۹۰). در برنامه‌ریزی‌های بازسازی و بهسازی الگوی استقرار سکونتگاه‌های روستایی، چهار الگو و سیاست و به دو شیوه که در تصویر شماره 1 نشان داده شده است، در نظر گرفته می‌شود.



ت 1. الگوهای بازسازی و ساماندهی نواحی روستایی. منبع: رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹، ۵۵.

از الگوهای آورده شده، الگوی ادغام و تجمع دارای مزیت‌های صرفه‌جویی اقتصادی در عرضه خدمات و امکانات هستند. بنابراین امروزه کشورهای درحال توسعه عمدتاً به این شیوه روی آورده‌اند (کلایه و همکاران، ۱۱۸، ۱۳۹۴). ادغام یا تجمع فیزیکی به‌عنوان یکی از گونه‌های اسکان مجدد و راهبردی در توسعه روستایی فرایندی از بومی‌گذاری و بومی‌گزینی عمومی است که به‌طور دفعی تحت تأثیر یک یا چند عامل و دلیل بیرونی انجام می‌گردد (تصویر شماره 2) و طی آن یک یا چند جامعه انسانی کوچک و متفرق که دارای ضعف‌های اساسی در دسترسی به خدمات و امکانات هست، از سکونتگاه اولیه خود به سکونتگاهی دیگر و یا مکانی جدید انتقال داده شده و با تلفیق با یکدیگر جامعه و جمعیت بزرگتری را تشکیل می‌دهند (مزرجی، ۲۵، ۱۳۷۹؛ رضوانی، ۹۱، ۱۳۸۸). در واقع این سیاست با عنوان اقدامی مقابله‌گرانه، مداخله‌ای و کاهنده بحران‌های انسانی (فقر، بیکاری، جنگ و...) و طبیعی (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۶۰، 2006، 452, Levy) به معنی جابه‌جایی مردم به مکانی بادوام و مطلوب، جهت رفع بحران‌ها است (Guoqing, 2009, 1458). هسته اساسی این استراتژی بر صرفه‌جویی ناشی از مقیاس بوده و در پی به حداقل رسانیدن هزینه‌ها و بهینه نمودن سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد (بدری، ۵، ۱۳۸۰).

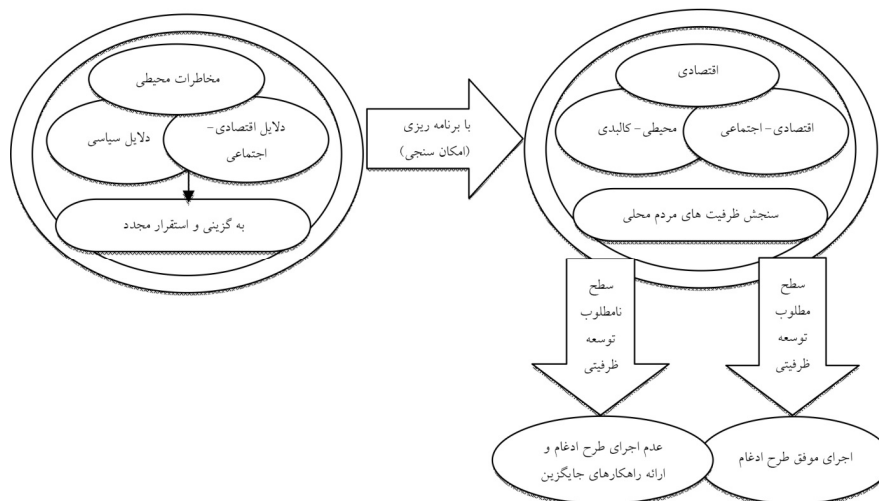


ت 2. دلایل اجرای سیاست‌های استقرار مجدد با تأکید بر تجمع و ادغام روستاها. منابع: قراگوزلو، 1393، 127؛ Agba, 2010, 50.

اساساً این گونه طرح‌ها به دو صورت برنامه‌ریزی شده (داوطلبانه) و بدون برنامه‌ریزی (اجباری) انجام می‌گیرند (کلایه و همکاران، 1394، 107، 1394، Agba, 2010). شانس موفقیت اسکان مجدد و تجمیع داوطلبانه و برنامه‌ریزی ریشه بسیار بیشتر از اسکان مجدد اجباری و برنامه‌ریزی نشده است و این تفاوت به دلیل دخالت دادن مردم و همراهی آن‌ها است (قراگوزلو و همکاران، 1393، 27) راهبرد حذف مردم و دخالت وسیع دولت در جابه‌جایی و شکل‌گیری روستای جدید واجد کارایی لازم، خواهد بود (گرگانی و همکاران، 1393، 23) به واقع عدم مشارکت جامعه محلی، عامل اصلی شکست و حتی ناتمام ماندن تعدادی از پروژه‌های استقرار مجدد روستایی است (Garakani, 2014, 31). مداخله در سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان جابه‌جایی و یا تجمیع و ادغام روستاهای کوچک و پراکنده به دلیل بی‌توجهی به همراهی و مشارکت روستاییان با اما و اگر و گاهی تأثیرات ناگوار همراه بوده است. این در حالی است که همراهی و دیدگاه مردم محلی به‌عنوان ذینفعان اصلی همواره با اهمیت و سودمند تلقی شده و به‌عنوان یک استراتژی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و در نتیجه یک درک جدید از توسعه مطرح گردیده است (گرگانی و همکاران، 1394، 22). بنابراین چنانچه برنامه‌های ادغام و تجمیع بدون مطالعات اولیه از جمله امکان‌سنجی در ارتباط با دیدگاه ذینفعان اصلی و با ذهنی‌نگری انجام گیرد، عامل ناهنجاری‌های بسیار اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌گردند (شاطری و صادقی، 1391، 107، 1391، 20، Terminski, 2013). در این راستا با توجه به اهمیت همراهی مردم محلی، انجام مطالعات امکان‌سنجی در قالب ارزیابی ظرفیت‌های جامعه محلی، عاملی مهم برای به ثمر نشستن موفق

طرح‌های ادغام و تجمیع روستاییان می‌باشد. چرا که ظرفیت‌های جامعه، تعیین‌کننده موفقیت و تضمین‌کننده مشارکت فراگیر ذینفعان در جریان اجرای طرح‌های توسعه‌ای محلی و منطقه‌ای است (UNEP, 2011, 3). واژه‌های ظرفیت‌سازی و توسعه ظرفیتی واژه‌های بسیار پیچیده و متنوع از لحاظ مفهوم هستند (Horton, 2002, 2). ظرفیت یعنی توانایی انجام کارها به صورت مؤثر، کارآمد و پایدار (Young, 2006, 3). ظرفیت، انگیزه‌ها و راه و روش‌ها و ابزار مورد نیاز برای انجام آنچه که باید به صورت مطلوب انجام شود، است (UNEP, 2011, 3). ظرفیت نه تنها به مهارت و توانایی‌های علمی، فناوری، اقتصادی و نهادی اشاره دارد بلکه روابط، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز شامل می‌شود (Matachi, 2006, 4). در این ارتباط نیز سازمان بین‌المللی توسعه کشاورزی و روستایی، توسعه ظرفیتی را برنامه‌ها و اقداماتی می‌داند که به منظور تقویت دانش، مهارت و تجربه افراد روستایی جهت تغییر جامعه، انجام و سبب ایجاد تغییرات مثبتی می‌گردد. یکی از این تغییرات مثبت، توانمندسازی جامعه روستایی است (UNEP, 2011, 12). به گفته کوهن توسعه ظرفیتی را می‌توان افزایش ظرفیت‌های فیزیکی و انسانی مانند زیرساخت‌ها، دانش و مهارت‌ها دانست (Young, 2006, 6). ظرفیت‌های جامعه روستایی، سبب جلب مشارکت گسترده روستاییان در جریان طرح‌های توسعه‌ای است (Saxby, 2001, 4) همچنین موجب تقویت اعتماد به نفس و انتخاب آگاهانه و کاهش انزوایگزینی و بی‌تفاوتی‌ها در بین روستاییان می‌گردد، در نتیجه اجتماعات نقش فعال و تأثیرگذاری در بازسازی اقتصادی و اجتماعی خود خواهند داشت (Wendy, 2007, 8). با توجه به تأثیرات مثبت ذکر شده و اینکه در اجرای مطلوب طرح‌های ادغام و تجمیع، نیاز به همراهی و مشارکت گسترده مردم محلی می‌باشد، می‌توان

گفت که سطح مطلوب ظرفیت‌های جامعه روستایی تضمین کننده موفقیت اجرای این طرح‌ها بوده و نیاز است که در مطالعات امکان‌سنجی و اولیه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند (تصویر شماره 3).



ت 3. مدل مفهومی پژوهش.

### پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات متعددی در مقیاس جهانی و ملی صورت گرفته است که عموماً به بررسی و تحلیل آثار و نتایج اجرای طرح‌های ساماندهی پرداخته‌اند، با نگاهی به نتایج تحقیقات که در جدول شماره 1 آورده شده‌اند، می‌توان پی برد که بیشتر این طرح‌ها در کنار پیامدهای مطلوب دارای آثار نامطلوب نیز بوده‌اند. همچنین یکی از پیشنهادهای اصلی برای حل این معضل که در بسیاری از این پژوهش‌ها ذکر شده، تأکید بر مطالعات امکان‌سنجی بویژه مشارکت مردم محلی در اجرای طرح‌های ساماندهی می‌باشد، در این راستا می‌توان گفت که پژوهش حاضر، با دیدی همه‌جانبه و جامع و با تکیه بر ظرفیت‌های جامعه محلی به این امر جامه عمل پوشانده است.

### روش تحقیق

تحقیق کاربردی حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی به تبیین نقش توسعه ظرفیتی در امکان‌سنجی طرح استقرار مجدد در قالب ادغام و تجمیع روستاها می‌پردازد. در

این راستا از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی مبتنی بر مصاحبه با مردم محلی به روش غیراحتمالی در دسترس و توزیع پرسشنامه در میان روستاییان، جهت گردآوری اطلاعات بهره گرفته‌است. در واقع مصاحبه‌ها به دنبال مشخص شدن یافته‌های اولیه تحقیق به منظور روشن نمودن و تبیین چرایی و چگونگی نتایج به دست آمده انجام گرفت. مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختار یافته انجام گرفتند و مبنای پایان آن برای هر سوال، اشباع نظری بود یعنی شنیدن پاسخ‌هایی که بارها و بارها تکرار شده‌اند.

جامعه آماری این پژوهش، شامل روستاییان ساکن (387 نفر) در روستاهای مرزی زیر 100 نفر بخش خاوومیرآباد می‌باشد. در ابتدا با استفاده از فرمول کوکران و سپس تصحیح آن 115 نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و سپس با بهره‌گیری از نمونه‌گیری منطبق، سهم هریک از روستاها از تعداد کل پرسشنامه‌ها مشخص و پرسشنامه‌ها در میان روستاییان به صورت تصادفی ساده توزیع گردید (جدول شماره 2).

محققان و سال پژوهش	عنوان	نتایج
Mei, 2014	مطالعه موردی از استقرار مجدد روستایان در کاهش فقر در چین	در مجموع اجرای سیاست تجمع و جابه‌جایی روستاها موجب افزایش قدرت تولید و درآمد و کاهش فقر روستایان و همچنین کاهش تهدیدات زیست محیطی شده است.
Garakani, 2014	مشارکت اجتماعی، عامل گم‌شده در پروژه‌های رسمی استقرار مجدد (استان کرمان، ایران)	نارضایتی و عدم تمایل و مشارکت مردم محلی مهمترین عامل شکست و ناتمام ماندن پروژه اسکان مجدد روستایان است.
Mueller, 2013	اسکان مجدد روستایان و امنیت غذایی در نواحی روستایی ملاوی	تولیدات کشاورزی روستایان افزایش یافته اما دوری از بازارها و ضعف دسترسی مانع عمده در بهبود درآمد روستایان است، در مجموع امنیت غذایی روستایان بهبود یافته است.
Stellmacher, 2011	نقش روستایان میزبان و تازه واردین در مدیریت اراضی جنگلی به‌دنبال ادغام و اسکان مجدد آن‌ها در نواحی روستایی اتیوپی	ادغام و اسکان مجدد روستایان موجب ایجاد مشکلات بسیاری از لحاظ قانونی به‌ویژه در استفاده از زمین‌های جنگلی گردیده است. همچنین شیوه معیشت روستایان تغییر کرده در حالی که از قبل هیچ آماده سازی برای این امر صورت نگرفته است.
Olawepo, 2008	اسکان مجدد (تجمع) و پویایی در تغییرات روستایی در روستاهای نیجریه	به‌واسطه ادغام و دسترسی به امکانات بیشتر، امنیت اقتصادی و اجتماعی روستایان نسبت به قبل بهبود یافته است اما ادغام از لحاظ فرهنگی مشکل آفرین بوده است.
Webber, 2004	استقرار مجدد اجباری؛ تولید و درآمد، شواهدی از روستاهای منطقه Xiaolangdi چین	هرچند دسترسی به زمین برای روستایان کمتر شده است اما میزان درآمد و تولیدات به‌ویژه برای روستاهای کوچکی که ادغام شده‌اند افزایش یافته است.
گرکانی، وجدانی، بشیری، 1394	بررسی پیامدهای درجاسازی روستای عالی‌شاهی (نورآباد ممسنی) پس از زلزله 1389 فارس	درجاسازی روستای عالی‌شاه نشان داد در صورت حذف یا کاهش موارد تهدید و آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های موجود، سیاست‌های درجاسازی هرچند با هزینه‌های اولیه بالاتر، گزینه مناسب‌تری نسبت به انتقال روستاها است.
صیدی، آزادی، بسحاق، 1394	سنجش نگرش روستایان در خصوص طرح جابه‌جایی روستا (مورد مطالعه: روستای اسلامی)	نتایج این پژوهش نشان دادند که در مجموع روستایان از طرح جابه‌جایی رضایت دارند اما مشارکت کم روستایان در اجرای طرح و تأثیرات نامطلوب اجرای طرح بر معیشت روستایان مشکلاتی برای آن‌ها ایجاد کرده است.
گرکانی، وجدانی، رحیم‌بخش، بشیری، 1393	بررسی میزان مشارکت روستایان در جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی؛ نمونه مورد مطالعه: روستاهای جابه‌جا شده جنوب کرمان	یافته‌ها حاکی از ارتباط معادار، مستقیم و مثبت میزان تمایل با میزان مشارکت روستایان با اسکانشان در روستای جدید دارد.
قراگوزلو، عیسی‌لو، گراوند، 1393	ارزیابی اثرات کالبدی فضایی جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملاوی، شهرستان پل دختر)	بیشترین تأثیر اسکان مجدد در زمینه کالبدی و زیست محیطی بوده و کمترین تأثیر مثبت نیز در زمینه اقتصادی بوده است.
جلالیان، 1392	بازخوانی تجربیات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی در معرض خطر با نگاهی به طرح جابه‌جایی روستاهای صفی آباد	تغییرات مثبت در جنبه کالبدی فیزیکی اما پیامدهای منفی در جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی.
پهلوان‌زاده، رضوانی، استاد کلایه، 1392	ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعی (مجموعه ادغامی پیش کمر استان گلستان)	نتایج نشان دادند که 73 درصد از روستایان از کیفیت زندگی‌شان بعد از تجمع رضایت دارند و بیشترین رضایت مربوط به بعد آموزش و کمترین رضایت نیز به بعد اشتغال اختصاص دارد.
فراهانی، 1391	نقش توسعه ظرفیتی در مدیریت کاهش خطر زلزله در دهستان سنبل آباد شهرستان اهر	کافی بودن و مطلوب بودن سطح ظرفیت‌های روستایان جهت کاستن از تأثیرات و آسیب‌پذیری در برابر زلزله.

## ج 1. خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام گرفته.

نام روستا	تعداد جمعیت	سهم از تعداد کل پرسشنامه‌ها
هانه شیخان	99	29
مرانه	65	19
خانم شیخان	33	10
بایوه	88	26
باشماق	47	14
آسن آباد	55	17
مجموع	387	115

## ج 2. توزیع طبقه‌ای پرسشنامه‌ها. منبع: سالنامه آماری استان کردستان، 1390.

در ابتدا پرسشنامه‌هایی میان 20 نفر توزیع گردید. مقدار این ضریب در خروجی نرم‌افزار spss برابر 0.85 بوده و پس از جمع‌آوری داده‌های کل نمونه این ضریب دوباره محاسبه گردید که 0.78 بدست آمد. این مقادیر مطلوب، تأییدی بر همبستگی درونی پاسخ‌ها و پایایی

جهت تعیین روایی پرسشنامه‌ها در ابتدا تعدادی از پرسشنامه‌ها جهت آزمایش مفهوم بودن، توزیع گردیدند و در نهایت نیز با تأیید کارشناسان و آگاهان توسعه روستایی، روایی آن‌ها تأیید گردید. جهت تعیین پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. بدین منظور



پرسشنامه‌ها می‌باشد. متغیرهای این پژوهش بر پایه مطالعات پیشین، شرایط منطقه و دیدگاه کارشناسان، در قالب چهار بعد ظرفیت‌های جامعه محلی (اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، محیطی - کالبدی و نهادی) در نظر گرفته شدند (جدول شماره 3). جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از آزمون‌های T تک نمونه‌ای و رتبه‌ای فریدمن، جهت سنجش سطح توسعه ظرفیتی روستاییان و رتبه‌بندی ابعاد چهارگانه آن در راستای پاسخگویی به سوال اول پژوهش استفاده شد. استفاده از آزمون تحلیل مسیر و

در راستای پاسخگویی به سوال دوم پژوهش، مبتنی بر مشخص نمودن مؤثرترین بعد ظرفیت‌های مردم محلی در راستای ادغام و تجمیع آن‌ها بهره گرفته شد. آزمون تحلیل واریانس یکطرفه به منظور پی بردن به تفاوت میان تمایل به ادغام و تجمیع در روستاهای مورد مطالعه و به دنبال آن بهره‌گیری از ضریب همبستگی اسپیرمن و جدول توافقی کای دو، جهت تبیین و تعیین عوامل مؤثر بر تفاوت در تمایل به ادغام و تجمیع روستاییان در راستای پاسخگویی به سوال سوم پژوهش استفاده شده است.

ابعاد	گویه‌ها
اجتماعی	آمادگی جهت سکونت در محل جدید با روستاییان روستاهای دیگر - همکاری در قالب گروه‌های داوطلبانه جهت ارائه کمک - اعتماد در بین روستاییان - آمادگی جهت انتقال و ارائه تجربیات در ارتباط با محل جدید - مطلوب بودن همکاری مردم روستا در اداره امور عمومی و ادامه آن در محل جدید - حفاظت از تأسیسات و زیر ساخت‌ها - آمادگی جهت اسکان موقت روستاییانی که در محل جدید با مشکل مسکن روبرو شوند - اعتقاد به ضرورت اسکان در محل جدید با توجه مشکلات موجود و فرایست اجتماعی و فرهنگی با سایر روستاها - آمادگی جهت پذیرفتن شغل جدید - توانایی تحمل مشکلات و نارسایی‌های اولیه در محل جدید تا برطرف شدنشان - اعتقاد به پذیرفتن قوانین و ضوابط در محل جدید - محدود بودن درگیری و نزاع در میان روستاییان - اعتقاد به حل درگیری و نزاعها توسط ریش سفیدان - روحیه تعاون و همکاری روستاییان - آمادگی جهت تشکیل گروه‌های مردمی و غیر دولتی در میان روستاییان - اعتقاد به افزایش امنیت فردی و اجتماعی در محل جدید.
اقتصادی	همکاری در ساخت و ساز تأسیسات عمومی در محل جدید بدون دستمزد - وجود منابع مالی کافی (پس انداز) بدون دریافت وام‌های بانکی جهت ایجاد کسب و کار جدید - آمادگی جهت دریافت وام‌های بانکی اشتغال‌زایی با بهره کم - آمادگی جهت سرمایه‌گذاری پس اندازها در فعالیت‌های سودآور در محل جدید - اعتقاد به وجود فرصت‌های شغلی بیشتر در محل جدید - اعتقاد به ارتقای شغلی در محل جدید - اعتقاد به امنیت اقتصادی بیشتر به واسطه اسکان در محل جدید - صرف وام‌های بانکی در محل تعیین شده - ارائه کمک مالی به دیگران جهت ساخت مسکن در محل جدید - مناسب بودن تعداد افراد فعال اقتصادی (65-15) در سطح روستا - اعتقاد به تغییر شغل و یا تنوع شغلی به واسطه قابل اعتماد نبودن درآمدهای کشاورزی در وضعیت کنونی.
نهادی و مدیریتی	اعتقاد به توانایی اداره امور توسط دهیاری و شوراهای مطلوب بودن همکاری مردم محلی با شوراهای دهیاری‌ها - پذیرش نظارت و مدیریت امور اسکان در محل جدید توسط دهیاری‌ها و شوراهای - اعتماد به شوراهای دهیاری‌ها به عنوان نمایندگان قابل اعتماد - توانایی شوراهای دهیاری‌ها در ایجاد پیوند میان روستاییان در محل جدید - اعتماد به دیگر نهادهای دولتی مسئول توسعه روستاها - تمایل به حضور در جلسات هماهنگی اسکان با حضور مسئولین - پذیرش مجازات و جریمه در قبال قانون‌شکنی - اعتقاد به کمک روستاییان به مسئولین در اجرای وظایف و طرح‌ها - مطلوب بودن هماهنگی نهادهای توسعه‌ای روستاها - پایداری سیاسی و مدیریتی منطقه - اعتقاد به لازم الاجرا و مفید بودن قوانین مصوبه نهادهای دولتی جهت توسعه روستاها.
کالبدی - محیطی	پیروی از اصول مصوب طرح‌ها در ساخت و سازه‌های محل جدید - توانایی احیای محیط فراموش شده و بکر در مکان جدید - اعتقاد به توانایی محیط طبیعی منطقه جهت اسکان و پاسخگویی به نیازهای افراد در محل جدید - اعتقاد به مناسب نبودن موقعیت قرارگیری روستاها در وضعیت فعلی و مطلوب بودن موقعیت روستاها در صورت ادغام در محل جدید - وضعیت حفاظت روستاییان از محیط طبیعی اطراف - افزایش ارتباطات روستا شهری با اسکان در محل جدید - کافی نبودن جمعیت فعلی روستا جهت احداث تأسیسات و زیر ساخت‌ها - دسترسی به خدمات، امکانات و زیرساخت‌های توسعه با ادغام روستاها در محل جدید.

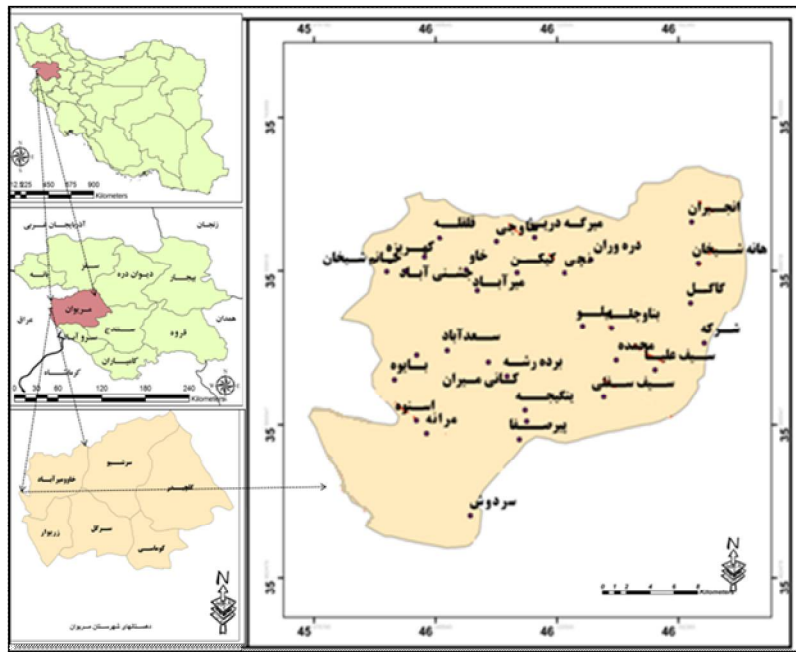
ج 3. ابعاد و گویه‌های پژوهش. منابع: کلاهی و همکاران، 1394. فراهانی، 1391، پهلوان‌زاده و همکاران، 1392، زکالاب، 1382، پورطاهری و عینالی، 1389.

شده است الگوی توزیع جمعیت در سطح روستاهای بخش مطلوب نبوده و روستاهای کم جمعیت (زیر 100 نفر) و در حال زوال را در مناطق دور افتاده‌تر و در نقاط صفر مرزی با کیفیت پایین زندگی می‌توان مشاهده نمود. این روستاها در فاصله نزدیکی از همدیگر و با تشابهات بسیار فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته‌اند و به دلیل جمعیت اندکشان از لحاظ تخصیص منابع و امکانات نیز

معرفی منطقه مورد مطالعه  
بخش مرزی خاوومیرآباد یکی از سه بخش شهرستان مریوان استان کردستان در مجاورت با کشور عراق می‌باشد. این بخش با 338 کیلومتر مربع وسعت، در آخرین سرشماری دارای 30 نقطه روستایی دارای سکنه با 11407 نفر جمعیت است. همانطور که در نقشه پراکنندگی جمعیت بخش (تصویر شماره 4) نشان داده

روستاها را ضروری می‌سازد، عامل دیگری است که مسئولین را به ایجاد مراکز روستایی گسترده‌تر جهت بهره‌گیری از منافع اقتصادی این مبادلات واداشته است تا بدین وسیله از مهاجرت گسترده ساکنان این روستاهای کوچک به شهر مریوان که مسبب بروز معضلات متعددی بوده و امنیت پایدار منطقه را با مخاطره روبرو ساخته است؛ کاسته شود.

در مضیقه می‌باشند. همچنین حساسیت‌های امنیتی این منطقه مرزی، ضرورت دیگری است که مسئولان امنیتی و توسعه‌ای منطقه را به منظور جلوگیری از تخلیه مرزها به ایجاد مراکز جمعیتی پایدار و گسترده‌تر سوق داده است. البته دلایل اقتصادی نیز به واسطه مبادلات گسترده تجاری با کشور عراق و توسعه آن در قالب بازارچه‌ها و کم‌رگ رسمی که نیاز به بهره‌گیری از محیط طبیعی این



ت 4. نمایش روستاهای مورد مطالعه و پراکندگی جمعیتی بخش.

در سطح راضی کننده‌ای است. در دو بعد دیگر، میانگین‌های محاسبه شده کمتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون می‌باشد. بنابراین با توجه به منفی بودن هر دو حد بالا و پایین و میزان نامطلوب آماره  $t$  می‌توان در سطح اطمینان 95 درصد و معناداری 0.05 گفت که ظرفیت ساکنین محلی در ابعاد اقتصادی و نهادی - مدیریتی در سطح رضایت بخشی قرار ندارد. در مجموع نیز میانگین نهایی محاسبه شده کمتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون در سطح معناداری 0.05 حاکی از این واقعیت است که

#### یافته‌های پژوهش

جهت سنجش میزان ظرفیت روستاهای مورد مطالعه در ابعاد چهارگانه اقدام به تشکیل جدول شماره 4 گردید. همانطور که نتایج آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد در میان ابعاد چهارگانه در سطح معناداری 0.05 و اطمینان 95 درصد، تنها میانگین بعدها کالبدی - محیطی و اجتماعی بیشتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون می‌باشد، با توجه به میانگین‌های محاسبه شده و مثبت بودن هر دو حد بالا و پایین می‌توان گفت که ظرفیت مردم محلی در این دو بعد

ظرفیت‌های مردم محلی جهت ادغام و تجمیع در سطح راضی‌کننده و مطلوبی قرار ندارد.

براساس آزمون فریدمن نیز، بین میانگین‌های ابعاد چهارگانه در سطح آلفای 0.01 تفاوت معناداری وجود دارد. بررسی میانگین رتبه‌های ظرفیت‌های چهارگانه، نشان می‌دهد که بعد ظرفیت‌های اقتصادی و سپس نهادی به ترتیب دارای پایین‌ترین رتبه‌ها هستند، این در حالی است که بعد ظرفیت‌های کالبدی - محیطی و سپس اجتماعی نیز دارای بهترین رتبه‌ها و در نتیجه مطلوبترین وضعیت هستند (جدول شماره 5).

مؤلفه	مطلوبیت عددی مورد آزمون=3			
	میانگین	معناداری	مقدار t	تفاوت از مطلوب
اجتماعی	3.24	.000	3.89	0.2407
اقتصادی	2.53	.011	-6.231	-4.664
نهادی	2.41	.007	-6.319	-5.819
کالبدی - محیطی	3.58	.000	7.928	.5815
مجموع	2.94	.042	-8.09	-0.0565

#### ج 4. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای ابعاد چهارگانه ظرفیت ساکنین محلی.

ابعاد ظرفیت‌های جامعه محلی	تعداد	میانگین عددی	میانگین رتبه‌ای
اجتماعی	115	3.24	3.11
اقتصادی	115	2.53	1.53
نهادی	115	2.41	1.60
کالبدی - محیطی	115	3.58	3.75
کای دو		253.225	
درجه آزادی		3	
سطح معناداری		.000	

#### ج 5. تفاوت معنادار میانگین‌های رتبه‌ای ظرفیت‌های جامعه محلی براساس آزمون فریدمن.

نتایج آزمون تحلیل مسیر نیز، گویای این واقعیت است که در شکل‌گیری وضع موجود نامطلوب سطح ظرفیت‌های مردم محلی به‌منظور ادغام و تجمیع، بعد نهادی با بارکلی 490. بیشترین تأثیر را داشته است

(جدول شماره 6). جهت انجام آزمون تحلیل مسیر سلسله مراتبی، در ابتدا هر یک ابعاد چهارگانه ظرفیت‌های مردم محلی به‌عنوان متغیر مستقل و مجموع کل تلفیقی ابعاد (با عنوان ظرفیت‌های مردم محلی) به‌عنوان متغیر وابسته وارد مدل شدند و میزان تأثیرات مستقیم ابعاد مشخص گردید. در ادامه پس از وارد نمودن و جایگزینی تک‌تک ابعاد ظرفیت‌های مردم محلی با توجه به دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی و آگاه به شرایط منطقه به‌عنوان متغیر وابسته و سایر ابعاد به‌عنوان متغیر مستقل و با ضرب کردن و در نهایت جمع کردن همه مسیرهای ضرب شده به بعد مورد نظر، میزان اثرات غیرمستقیم هر بعد نیز، مشخص شد و در آخر نیز با جمع نمودن اثرات مستقیم و غیرمستقیم، بار کلی و میزان اثرگذاری نهایی هر بعد بر وضع موجود سطح توسعه ظرفیتی مردم محلی در راستای اجرای پروژه ادغام، مشخص گردید (تصویر شماره 5). لازم به ذکر است که مبنای ترسیم مسیرها، سطح معناداری محاسبه شده و در ترسیم مدل نهایی، مسیرهایی ترسیم گردیدند که سطح معناداری آن‌ها در آزمون کمتر از 0.05 محاسبه شده است. بنابراین هرچند که بر پایه مدل اولیه ترسیم شده متخصصان، اثرگذاری ابعاد مورد سنجش پیچیده‌تر و تعداد مسیرها نیز بیشتر بودند اما پس از محاسبه و ورود در مدل، مسیرهای ترسیم شده تصویر شماره 5، معنادار محاسبه شدند.

ابعاد	تأثیرات مستقیم	تأثیرات غیر مستقیم	اثر کلی
اجتماعی	.187	.0670	.254
اقتصادی	.407	.0264	.433
محیطی - کالبدی	.225	---	.225
نهادی	.323	.167	.490

ج 6. میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های بر وضع موجود توسعه ظرفیتی مردم محلی در راستای انجام طرح ادغام و تجمیع.

سطح معناداری	F آماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	واریانس بین گروهی
0.000	150.252	8.028	5	40.14	
		0.053	109	5.82	واریانس درونگروهی
			114	45.96	مجموع

ج 7. تفاوت معنادار تمایل به تجمع در روستاهای مورد مطالعه براساس آزمون تحلیل واریانس.

جمعیت روستا	ضریب همبستگی اسپیرمن	تمایل به ادغام و تجمع
-233	سطح معناداری	
0.038	تعداد	
6		

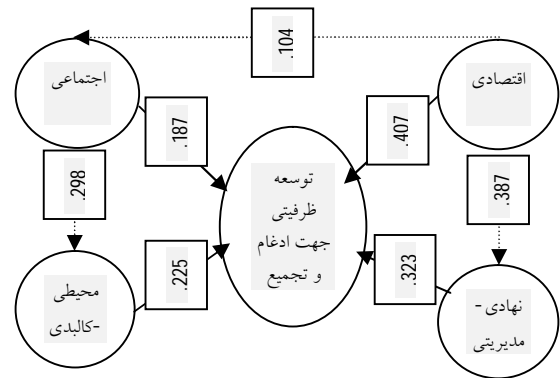
ج 8. ارتباط میان تمایل به اسکان مجدد با جمعیت روستاها.

کل	تمایل به ادغام و تجمع			مؤلفه‌ها
	زیاد	متوسط	کم	
22	6	9	7	کم
59	12	27	20	متوسط
34	18	10	6	زیاد
115	36	46	33	کل
	سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش	آماره آزمون کای دو
	0.001	4	19.080	پیرسون
			0.341	ضریب همبستگی

ج 9. جدول توافقی تبیین تفاوت میان تأثیرگذاری شاخص میزان توسعه ظرفیتی بر تمایل به ادغام و تجمع.

### نتیجه

امروزه سطح ظرفیت‌ها و توسعه ظرفیتی جوامع در برنامه‌های بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی که در زمینه رشد و توسعه کار می‌کنند مانند بانک جهانی (World Bank)، سازمان ملل متحد (UN) و سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، بکار می‌رود. در واقع ظرفیت‌های جوامع به تأکید بسیاری از متخصصان علوم اجتماعی سنگ بنا و تحقق‌دهنده برنامه‌های توسعه می‌باشد. توسعه ظرفیتی جوامع، انعکاس‌دهنده میزان توانایی آن‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه به گونه‌ای مطلوب است. بنابراین موفقیت اجرای بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های



ت 5. مدل تحلیل مسیر مؤلفه‌های ظرفیتی مردم محلی جهت ادغام و تجمع.

تحلیل تمایل به ادغام روستاییان در 6 روستای مورد مطالعه نیز در آزمون تحلیل واریانس یکطرفه، نشان از تفاوت معنادار آن‌ها در سطح معناداری 0.05 دارد (جدول شماره 7). به نظر می‌رسد که می‌توان این تفاوت معنادار را با میزان جمعیت روستاها تبیین نمود. نتایج آزمون همبستگی نیز تأییدی بر این مطلب می‌باشد. همانطور که در جدول شماره 8 نشان داده شده است، هرچند با شدت همبستگی کم، ارتباط معنادار و معکوسی میان تمایل به ادغام و تجمع با جمعیت روستاها وجود دارد. براساس تحلیل روابط آماری، میان تمایل روستاییان به ادغام و میزان توسعه ظرفیتی آن‌ها، روستاییان به تفکیک 6 روستای مورد مطالعه از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه کم، بالا و متوسط جای گرفتند. آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جدول توافقی، نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار آماری میان متغیر وابسته، تمایل به تجمع و ادغام، متغیر مستقل و متغیر سطح توسعه ظرفیتی است. جهت رابطه نیز مستقیم، محاسبه گردیده است. بنابراین می‌توان گفت که هرچه ظرفیت‌های جامعه بیشتر باشد و در واقع سطح توسعه ظرفیتی بالاتری داشته باشند، میزان تمایل آن‌ها به ادغام و تجمع با سایر روستاها نیز بیشتر است (جدول شماره 9).

توسعه محلی و منطقه‌ای را می‌توان با توجه به سطح توسعه ظرفیتی جوامع، تبیین نمود. در این بین یکی از برنامه‌هایی که اجرای مطلوب آن، ارتباط تنگاتنگی با سطح توسعه ظرفیتی جوامع روستایی دارد، طرح‌های استقرار مجدد نواحی روستایی می‌باشد. کاهش شکننده بودن و کاستن از حساسیت این گونه طرح‌ها، نیازمند انجام مطالعات امکان‌سنجی در ابعاد و عرصه‌های مختلفی می‌باشد که به گواه بسیاری از مطالعات پیشین، مهمترین آن‌ها میزان تمایل و مشارکت ذی نفعان اصلی یعنی روستاییان و در واقع سطح مطلوبی از توسعه ظرفیتی جوامع روستایی می‌باشد تا بتوان با اطمینان از وضعیت مناسب توسعه ظرفیتی در روستاها، قدمی آگاهانه و منطبق بر واقعیت در راستای اجرای موفقیت‌آمیز چنین طرح‌هایی برداشت. در این راستا، جهت شناخت جامع وضع موجود و سطح توسعه ظرفیتی روستاهای مرزی کم جمعیت و پراکنده بخش خاومیرآباد شهرستان مریوان (که با توجه به ضرورت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و با در نظرگیری تشابه‌های بسیار فرهنگی، اجتماعی، محیطی و نزدیکی فاصله، گزینه ادغام و تجمیع به‌عنوان یکی از گزینه‌های تحقق‌دهنده ضرورت‌ها و ساماندهی به امر توسعه آن‌ها مطرح می‌باشد) اقدام به سنجش سطح ظرفیت‌های این روستاها گردید تا بدین ترتیب این پژوهش، راهنما و چراغ راهی برای چگونگی اقدام و عمل مسئولین توسعه روستایی شهرستان و استان گردد. بدین منظور سوالاتی مدنظر بودند که یافته‌های پژوهش به آن‌ها پاسخ گفتند. سوال اول پژوهش مبتنی بر این مطلب بود که آیا سطح توسعه ظرفیتی روستاییان در ارتباط با ادغام و تجمیع در سطح رضایت بخشی است؟ نتایج پژوهش نشان داد که سطح توسعه ظرفیتی روستاهای مورد مطالعه در مجموع در سطح مطلوب و

راضی کننده‌ای قرار ندارد. در این بین ابعاد اقتصادی و نهادی دارای میانگین‌های کمتر از حد متوسط و وضعیت نامطلوب و ابعاد محیطی-کالبدی و اجتماعی، دارای میانگین‌های بالاتر از حد متوسط و وضعیت رضایت‌بخش هستند. در مشاهده مستقیم از وضعیت روستاها و مصاحبه‌هایی که با مردم محلی انجام گرفت، اظهار می‌داشتند که یکی از مشکل‌های اساسی آن‌ها ضعف و نامطلوب بودن شاخص‌های اقتصادی است که ادغام در محل جدید نیز با توجه به وجود ضعف‌های متعدد در عرصه نهادی و عملکرد نهادهای دولتی نمی‌تواند موجب بهبود و ارتقای وضعیت اقتصادی آن‌ها شود. در کنار بی‌اعتمادی نسبت به عملکرد نهادهای دولتی به‌منظور توسعه این روستاها در بین روستاییان، عدم اعتقاد به عملکرد مطلوب دهیاری‌ها و شوراها در فرایند پروژه ادغام نیز شاخص دیگری است که موجب مطلوب نبودن ظرفیت‌های نهادی مردم محلی گشته است. همچنین در حاشیه قرارگرفتن این روستاهای کم جمعیت و متفرق مرزی که ضعف ساختارهای اقتصادی را به‌همراه داشته است موجب شده تا روستاییان پس‌انداز کافی و یا تمایل مناسب به دریافت وام، جهت سرمایه‌گذاری در محل جدید را از ترس ناتوانی در بازپرداخت آن نداشته باشند. از سوی دیگر، همانطور که در پاسخ‌ها دیده می‌شود و در مصاحبه‌ها نیز روستاییان، بسیار بر آن تأکید می‌کردند روستاییان به‌وجود و اجرای مطلوب برنامه یا پروژه مدون اجرایی و قابل اطمینان، در راستای رونق شاخص‌های اقتصادی در محل جدید معتقد نیستند و بازتاب این امر، پاسخ‌های منفی و ناامید کننده از سوی مردم محلی به شاخص‌هایی از ظرفیت‌های اقتصادی همچون ارتقای شغلی، افزایش اشتغال، افزایش فرصت‌های شغلی، تنوع مشاغل و امنیت شغلی در محل

جدید می‌باشد. همچنین در میان ابعاد ظرفیتی مورد سنجش، ظرفیت‌های اجتماعی مردم دارای مطلوبترین وضعیت می‌باشد، در این میان، رضایت بخش بودن پاسخ‌های مردم محلی به شاخص‌هایی چون آمادگی جهت سکونت در محل جدید با روستاییان روستاهای دیگر و اعتقاد به ضرورت ادغام، جهت ارتقای سطح کیفیت زندگی، نکته‌ای مثبت و رضایت‌بخش است که در صورت مطلوب بودن سایر شرایط، اجرای طرح ادغام، همراهی مردم محلی را به دنبال خواهد داشت. یافته‌های در ارتباط با سوال دوم پژوهش مبنی بر اینکه کدام بعد ظرفیت‌های مردم محلی بیشترین تأثیر را در نحوه ادغام و تجمع روستاها دارد، نشان داد که این بعد نهادی است که دارای بیشترین تأثیر در شکل‌گیری وضعیت نامطلوب ظرفیت‌های مردم محلی جهت ادغام و تجمع است. پس از این بعد، بعد اقتصادی علاوه بر دارا بودن بیشترین تأثیر مستقیم، در رتبه دوم اثرگذاری کلی در سطح نامطلوب ظرفیت‌های مردم محلی، جهت ادغام و تجمع قرار دارد. بیشترین ارتباط و همبستگی مستقیم و مثبت نیز بین این دو بعد، مشاهده می‌شود تا بتوان گفت بهبود وضعیت ظرفیت‌های نهادی، بهبود و ارتقای ظرفیت‌های اقتصادی را نیز به دنبال دارد چرا که حمایت‌ها و عملکرد مطلوب نهادهای دولتی در مناطق در حاشیه مرزی و در اقتصاد وابسته آن‌ها گام اول و مهم رونق اقتصادی است. همچنین ارتباط مستقیم و معنادار دیگر، مربوط به ظرفیت‌های اجتماعی با کالبدی-محیطی است. به واقع سطح رضایت‌بخش ظرفیت‌های اجتماعی به‌ویژه در شاخص‌های اعتماد بین روستاییان، اعتقاد به ضرورت ادغام جهت ارتقای سطح کیفیت زندگی، اعتقاد به همکاری‌های گروهی، روحیه تعاون و همکاری روستاییان، پذیرفتن قوانین و مقررات محل جدید، تأثیر مستقیم و مثبتی در رضایت‌بخش

بودن پاسخ‌های مردم محلی به شاخص‌های اجرای مطلوب قوانین طرح‌ها و ساخت‌وسازها در محل جدید، احیای توان‌های بکر محیط طبیعی محل جدید، حفاظت روستاییان از محیط طبیعی اطراف، اعتقاد به دسترسی به خدمات و امکانات بیشتر با ادغام در محل جدید، در بعد ظرفیت‌های محیطی - کالبدی را موجب شده است. لازم به ذکر است که در مصاحبه با روستاییان در ارتباط با ارتقای سطح کیفیت زندگی به واسطه ادغام آن‌ها اظهار می‌داشتند که چنانچه برنامه‌ای مدون و منطقی به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی وجود داشته باشد و نهادهای دولتی نیز هماهنگ و عملگرا اقدام کنند در این صورت است که می‌توان به ارتقای سطح کیفیت زندگی امیدوار بود. بنابراین روستاییان به ضرورت ادغام معتقدند اما بیشتر از شیوه اجرا و عملکرد نهادهای مسئول، نگران و بی‌اطمینان هستند.

یافته‌ها در ارتباط با پاسخگویی به سوال سوم پژوهش نیز نشان داد که تفاوت معناداری میان روستاهای مورد مطالعه در ارتباط با تمایل به ادغام و تجمع آن‌ها وجود دارد و این تفاوت را می‌توان از طریق عامل تعداد جمعیت و میزان توسعه ظرفیتی روستاها تبیین نمود. در این ارتباط، تحلیل همبستگی بین تعداد جمعیت روستاها و تمایل به ادغام و تجمع آن‌ها نشان داد که هر چند با شدت پایین همبستگی اما روستاهای کم‌جمعیت‌تر، تمایل بیشتری به ادغام و تجمع نسبت به روستاهای پرجمعیت‌تر دارند. این امر با توجه دیدگاه تخصیص خدمات و امکانات با توجه به تعداد جمعیت روستاها قابل تبیین است، همچنین روستاهایی که دارای سطح توسعه ظرفیتی بالاتری بودند تمایل بیشتری به تجمع و ادغام داشتند. در نهایت با توجه به یافته‌ها، بازدیدهای میدانی، مصاحبه‌ها با مردم محلی و نتایج پژوهش‌های پیشین، در وهله اول پیشنهاد می‌گردد که

طرح ادغام و تجمیع این روستاها انجام نگیرد و از گزینه‌های مطرح شده در مورد روستاهای این منطقه مرزی خارج گردد و به منظور برون رفت از معضلات و تحقق ضرورت‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، با توجه به وجود تجربه مثبت در چند روستای دیگر منطقه با شناسایی پتانسیل‌های متعددی که در روستاها وجود دارد به‌ویژه گسترش تجارت و مبادلات مرزی از طریق بازارچه‌های مرزی، رونق گردشگری روستایی، توسعه و حمایت از کشاورزی به‌ویژه دامداری و زراعت و افزایش همکاری‌ها و انعقاد تفاهم‌نامه‌های امنیتی مرزی، سعی در ماندگاری روستاییان در وهله اول و سپس مهاجرت معکوس و بازگشت روستاییان از شهر به روستاهای خود داشت، چراکه بیشتر روستاییان مهاجر در وضعیت مطلوبی در شهر به سر نمی‌برند و از روی ناچاری و اجبار اقدام به مهاجرت کرده‌اند. این راهکارها در صورتی که بگونه‌ای مطلوب و کارشناسانه انجام گیرند، در زمینه رشد و سپس توسعه پایدار روستایی بسیار تأثیرگذارتر از طرح ادغامی خواهند بود که مردم محلی به آن خوشبین نبوده و بی‌شک با صرف هزینه گزاف دستاوردی اندک دربر خواهد داشت. اما چنانچه این طرح می‌بایست انجام گیرد می‌توان گفت که روستاهای مورد مطالعه به انجام طرح ادغام، ازسویی باتوجه به شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی و فاصله کم از همدیگر و از سوی دیگر به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی که معضلات اجتماعی و محیطی بسیاری را هم برای آن‌ها رقم‌زده است و بازتاب آن‌را در مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهر مریوان می‌توان دید، موافقت اما با توجه به اینکه در حاشیه قرار گرفته‌اند و تاکنون مورد توجه چندانی از سوی نهادهای دولتی قرار نگرفته‌اند به اجرای صحیح این طرح و پویایی اقتصادی ناشی از آن امیدوار نیستند. بنابراین در

وهله اول نیاز است که نهادهای مسئول، تمام ابعاد این فرایند و پیش نیازهای اجرای صحیح آن را بسنجند و با برنامه‌ریزی دقیق و پیش‌بینی نیازها و مقدمات طرح، سعی در همراهی مردم محلی از طریق افزایش ظرفیت‌های روستاییان و در واقع روآوری به ظرفیت‌سازی از طریق آموزش و ترویج اطلاعات، شبکه‌سازی اجتماعی همراه با نظارت دقیق و تفویض اختیاراتی، تقویت سازوکارهای جمعی، آگاه‌سازی و دانش‌سازی و ایجاد مدیریت و رهبری کارآمد روستایی داشته باشند. در این ارتباط، نهادسازی از طریق تقویت نهادهای نافذ محلی (شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها) و تشکیل گروه‌های مردم نهاد و دخالت دادن آن‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری در هر سه مرحله قبل از اجرا، اجرا و نظارت پس از آن با توجه به مطلوب بودن ظرفیت‌های اجتماعی منطقه راهگشایی مطلوب است. همچنین نهادهای محلی به‌عنوان حلقه واسط ارتباطی مردم محلی و مسئولین دولتی، نقش مهمی در فرایند ظرفیت‌سازی و به ثمر نشستن طرح ادغام و تجمیع ایفا خواهند کرد. از سویی مهمترین ابزار ظرفیت‌سازی، آموزش است. در این راستا می‌بایست نهادهای اجرایی دولتی به‌عنوان گروهی مؤثر در فرایند ظرفیت‌سازی با همراهی نهادهای مردم نهاد، وارد عمل گردند و روستاییان را در ارتباط با فرایند ادغام و تجمیع آگاه کرده و با ذکر اثرات مثبت، مردم محلی را از تأثیرات منفی آن در صورت عدم همراهی روستاییان آگاه ساخته و چگونگی غلبه بر آن‌ها را نیز به مردم محلی بیاموزند. همچنین با ارتباط بیشتر با مردم محلی و کنار نهادن دیدگاه بالا به پایین، اعتماد مردم محلی را به خود جلب کرده و آن‌ها را مشتاق همکاری نمایند. داشتن چارچوبی مدون، عملیاتی و آینده‌نگرانه به‌عنوان سندی راهبردی در ارتباط با فرایند تجمیع نیز در این زمینه راهگشا خواهد بود.

## 1. capacity development

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ شریفی، محمد. (1382)، برنامه‌ریزی و ساماندهی روستاهای پراکنده (مورد دهستان کورین زاهدان)، فصلنامه جغرافیا و توسعه، صفحات 101-90.

- استاد کلایه، امین؛ لنگرودی، سید حسن؛ رضوانی محمد رضا؛ قدیری معصوم، مجتبی. (1394)، تبیین تأثیر الگوهای اسکان مجدد بر توسعه پایدار روستایی (روستاهای سیل‌زده شرق استان گلستان)، پژوهش‌های روستایی، دوره 6، شماره 1، صفحات 136-117.

- محمدی استادکلایه، امین. (1391)، (ارزیابی اثرات الگو راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی بر کیفیت زندگی روستاییان) (مطالعه موردی: روستاهای جابه‌جا شده شرق گلستان))، فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی، شماره چهارم، صفحات 50-37.

- بدری، سیدعلی. (1380)، ارزیابی پایداری راهبرد اسکان مجدد روستایی (نمونه موردی: مجموعه ادغامی آب بر)، پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.

- پورطاهری، مهدی؛ عینالی، جمشید. (1389)، نقش ظرفیت‌سازی در کاهش مخاطرات طبیعی در مناطق روستایی با تأکید بر روش‌های کمی (نمونه موردی: مناطق زلزله‌زده شهرستان خدابنده)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 74، صفحات 39-23.

- پهلوان‌زاده، حمیده؛ رضوانی، محمدرضا؛ محمدی استادکلایه، امین. (1392)، ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعی (مورد: مجموعه ادغامی پیش‌کمر - استان گلستان)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 137، صص 110-97.

- جلالیان، حمید. (1392)، بازخوانی تجربیات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی در معرض خطر با نگاهی به طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد مینو دشت، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره 4، صفحات 195-180.

- رحمتی، علیرضا و نظریان، اصغر. (1389)، آثار اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی سکونتگاه‌های مشمول جابه‌جایی ناشی

از ایجاد سدها (مطالعه موردی: سد گتوند علیا، رودخانه کارون)، پژوهش‌های محیط زیست، شماره 2، صفحات 66-55.

- رضوانی، محمدرضا. (1388)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی در ایران، نشر قومس، چاپ سوم.

- زکالاب، علی. (1382)، ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های روستایی (شهرستان بوکان بخش سیمینه)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت معلم تهران.

- شاطری، مفید؛ صادقی، حجت‌الله. (1391)، واکاوی اثرات اقتصادی اجتماعی اسکان خود جوش عشایر (مطالعه موردی: عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه)، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره دوم، صفحات 128-105.

- صیدیایی، اسکندر؛ آزادی، یونس؛ بسحاق، محمدرضا. (1394)، سنجش نگرش روستاییان در خصوص طرح جابه‌جایی روستا (مطالعه موردی: روستای اسلامیه)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 151، صفحات 72-55.

- فراهانی، حسین. (1391)، نقش توسعه ظرفیتی در مدیریت کاهش خطر زلزله در مناطق روستایی (موردی: شهرستان ابهر، دهستان سنبل آباد، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 145، صفحات 75-64.

- قراگوزلو، هادی؛ عیسی‌لو، علی‌اصغر؛ گراوند، فرزاد. (1393)، ارزیابی اثرات کالبدی فضایی جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملاوی - شهرستان پل دختر)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای سال چهارم، شماره 16، صفحات 136-125.

- گرکانی، امیرحسین، وجدانی؛ محمدعلی؛ رحیم‌بخش، فاطمه. (1393)، بررسی میزان مشارکت روستاییان در جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی (نمونه مورد مطالعه: روستاهای جابه‌جا شده جنوب کرمان)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 148، صفحات 35-21.

- گرکانی، امیرحسین، وجدانی، محمدعلی و بشیری، مهسا. (1394)، پیامدهای درجاسازی روستای عالیشاهی پس از زلزله 1389 فارس، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 151، صفحات 54-37.

- مزرجی، قربانعلی. (1379)، توسعه روستایی با تأکید بر تجمیع روستاهای کوچک و محروم (نمونه موردی: حوزه آهنگران قائنات)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.



- Milèn, Anneli.(2001), what do we know about capacity building? , an overview of existing knowledge and good practice, department of health service provision world health organization , Geneva.
- Mueller, m.(2013), resettlement and food security, policy note international food policy research institute.
- Noll, gregor.(2003),rediscovering resettlement, migration policy institute, Housing and environmental, specialized quarterly magazine of housing foundation of Islamic revolution. Vol. 29, summer 2.
- Okada, T. Haynes, K. Bird, D. Honert, R. and R. King. (2014), Recovery and resettlement following the 2011 flash flooding in the Lockyer Valley. International Journal of Disaster Risk Reduction 8: 20–31.
- Olawepo, A.(2008), Resettlement and Dynamics of Rural Change in Jebba Lake Basin, Nigeria, Department of Geography, University of Ilorin, Ilorin, Nigeria.
- samgeza, r.(1986), the role of resettlement in social development in Zimbabwe, journal of Social Development in Africa(1986), 35-42.
- Saxby, John.(2001), capacity development: vision and implications, Canadian international development agency.
- Stellmacher, Till.(2011), The rules of hosts and newcomers. Local forest management after resettlement in Ethiopia .European Conference of African Studies 2011, Uppsala, Panel 103 : Pathways to social-economic integration. Inclusion and exclusion of migrants in Africa.
- Susniene, Dalia.(2009), The Concepts of quality of life and happiness – correlation and differences work humanism , in zinerine ekonomika-engineering economics(3).
- Terminiński, Bogumił.(2013), development-induced displacement and resettlement :theoretical frameworks and current challenges, Geneva, may.
- UNEP.(2002), capacity building for sustainable development: an overview of unep environmental capacity development initiatives.
- UNEP.(2011), community capacity building voluntary and community sector, margaretrichie, department for social development.
- Webber, M. (2004), Involuntary Resettlement, Production and Income: Evidence from Xiaolangid, PRC. World Development 32: 673–690.
- Wendy, Levinson.(2007), building community capacity, resources for community learning & development practice complied by the Scottish community , development centre for learning connections, the Scottish government, Edinburgh.
- Young, John.(2006), capacity development for policy advocacy :current thinking and approaches among agencies ,supporting civil society organizations.
- سالنامه آماری استان کردستان.(1390). استانداری استان کردستان.
- Agba, A.M.(2010), Socio-Economic and Cultural Impacts of Resettlement on Bakassi People of Cross River State, Nigeria,Studies in Sociology of Science Vol. 1, No. 2, PP. 50-62.
- CDSF.(2009), the au/nepad capacity development strategic framework , seeing African people as the true resource , nepad secretariat, au-nepad capacity development.
- Chiremba, Sophia.(2003), the experience of resettled farmers in Zimbabwe , African Studies Quarterly | Volume 7, Issues 2 & 3.
- DTIE.(2006), ways to increase the effectiveness of capacity building for sustainable development , discussion paper presented at the concurrent session 18.1 the marrakech action plan and follow-up, 2006 iaia annual conference, Stavanger, Norway.
- Garakani, Seyed Amirhossein.(2014), Community Participation: The Lost Link of the Rural Informal Settlements Relocation Projects, Kerman Province, Iran (Case Studies: Band-Chah-Reza Village, Chah-Dad-Khoda Village, Ghassem-Abad Village and Shahid-Karami-Shadab Village), International Journal of Architecture and Urban Development , Vol.4, No.3, Summer.
- Guoqing, Shi.(2009), discussion on resettlement science, proceedings of 16th iahr-apd congress and 3rd symposium of iahr-ishs, Hohai University, Nanjing, China.
- Horton, Douglas.(2002), planning, implementation and evaluating capacity development, On website at: www.citeseerx.ist.psu.edu
- International Food Policy Research Institute.(2013), resettlement and food security, On website at:www.ifpri.org
- Levy, Jason, et al.(2006), Post-disaster resettlement, development and change: a case study of the 1990 Manjil earthquake in Iran, Journal compilation © Overseas Development Institute, 30(4): 451-468.
- Mander, Harsh .(2000), Displacement, Resettlement, Rehabilitation, Reparation, and Development , WCD Thematic Review , Social Issues I.3
- Marife, m.(2013), efficiency and effectiveness review of the national housing authority (nha) resettlement program, Philippine institute for development studies department of budget and management.
- Matachi, Atsushi.(2006), Capacity Building, Framework unesco- iicba, UNESCO - international institute for capacity building in Africa, published united nations economic Commission for Africa.
- Mei, Liu.(2014), The Case Study on China's Resettlement Poverty Reduction, The State Council Leading Group Office of Poverty Alleviation and Development.